

پاول هُرن - هاینریش هوبشمان

فرهنگ ریشه‌شناسی فارسی

ترجمه همراه با گوادهای فارسی و پهلوی از

جلال خالقی مطلق



سرشناسه: هرن، پاول، ۱۸۶۲ - ۱۹۰۸ م.

Horn, Paul

عنوان و نام پدیدآور: فرهنگ ریشه‌شناسی فارسی / پاول هرن؛ ترجمه همراه با گواه‌های فارسی و پهلوی از جلال خالقی مطلق.

مشخصات نشر: اصفهان: مهرافروز، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: پنجاه و چهار ۶۳۲ ص: ۲۹×۲۲ س م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۶۷-۱۳-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Grundriss der Neupersischen Etymologie, 1893.

یادداشت: واژه‌نامه.

یادداشت: کتابنامه.

یادداشت: نمایه.

موضوع: فارسی - ریشه‌شناسی

شناسه افزوده: خالقی مطلق، جلال، ۱۳۱۶ - مترجم.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۳ ف ۴ ۹ هـ PIR ۲۹۲۷

رده‌بندی دیویی: فا ۴ ۲

شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۷۹۸۲۰



۳۱-۳۶۲۰۵۸۰۴

www.mehrafrouzpub.com

فرهنگ ریشه‌شناسی فارسی

مؤلفان: پاول هرن - هاینریش هوبشمان

مترجم متن و مؤلف شواهد فارسی و پهلوی: جلال خالقی مطلق

بازنویسی متون ترجمه: مریم‌السادات رنجبر

مدیر گروه آماده‌سازی: مهناز مقدسی

صفحه‌آرا و طراح جلد: بهرام عفرای

حروف‌نگار: شیوا قربانی

اجرا: مهدی فیروزخانی

ناشر: مهرافروز

نوبت چاپ: اول

تاریخ نشر: ۱۳۹۳

تیراژ: ۱۱۰۰ جلد

لیتوگرافی، چاپ: تهران بدر

صحافی: نگار

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۶۷-۱۳-۱

ISBN: 978-600-7367-13-1

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب برای ناشر محفوظ است

فهرست

نه	سخن ناشر
یازده	آغاز
سیزده	پیشگفتار مترجم (بر چاپ نخستین)
بیست و یک	پیشگفتار هُرن
بیست و نه	حواشی هُرن و توضیحات مترجم
سی و هفت	پیشگفتار هوبشمان
چهل و یک	منابع غیر فارسی
چهل و چهار	منابع بدون کوتاه‌نویسی
چهل و پنج	نشانه‌های کوتاه‌نویسی نشریات و مجموعه‌ها
چهل و شش	برخی از نشانه‌های کوتاه‌نویسی به خط لاتین
چهل و شش	کتاب‌نامه فارسی
پنجاه و سه	نشانه‌های کوتاه‌نویسی
پنجاه و سه	شیوه تطبیق حروف
۱	متن فرهنگ
۴۴۳	نمایه هُرن
۵۲۷	نمایه واژه‌های فارسی

سخن ناشر

پژوهش در زمینه زبان‌های ایرانی دیرزمانی است که آغاز شده و آثار فراوانی به زبان‌های غیرایرانی و متأسفانه آثار محدودی به زبان فارسی در این زمینه انتشار یافته است. آنچه امروز در حوزه پژوهش‌های زبان فارسی داریم مرهون زحمات ایران‌شناسان و شرق‌شناسان گرانقدری است که عمر بر سر این کار نهاده‌اند و گام‌های بلندی در این راه برداشته‌اند. کتاب **فرهنگ ریشه‌شناسی فارسی** از جمله این پژوهش‌های ارزشمند است.

این کتاب سال‌ها پیش با عنوان *اساس اشتقاق فارسی*، به همت بنیاد فرهنگ ایران، در اختیار اهل فن قرار گرفت که شامل ترجمه و شرح بخشی از آغاز کتاب اصلی (از «آ» تا «خ») بود و امروز، پس از گذشت ۴۳ سال از ترجمه آن، به صورت کامل، از «آ» تا «ی»، به همت دانشمند گرانقدر، دکتر جلال خالقی مطلق، به انجام رسید. «انتشارات مهرافروز» افتخار دارد که به سبب ارادت و احترامی که از دیرباز به آن استاد گرانقدر داشت و نیز، به سبب اعتبار و ارزش علمی کتاب، انتشار آن را بر عهده گیرد. ارادت به استاد دکتر خالقی مطلق، که از برجسته‌ترین و معتبرترین شاهنامه‌پژوهان معاصر است و عشق و علاقه‌ای که پدرم زنده‌یاد دکتر پرویز دبیری به شاهنامه داشت - ولی با کمال تأسف عمزش وفا نکرد که انتشار این اثر را ببیند - و نیز افتخار انتشار کتابی که سال‌ها پیش به همت استاد فرهیخته، زنده‌یاد دکتر پرویز ناقل خانلری، به چاپ رسیده بود، همگی سبب شد که عهده‌دار چاپ و انتشار این کتاب شویم. آماده‌سازی این کتاب، چنان که دکتر خالقی مطلق در «آغاز» بدان اشاره کرده‌اند، کاری دشوار بود که بیش از پیش‌بینی زمانی اولیه وقت صرف آن شد. اصلاحات چندین و چند باره کتاب و مذاکرات و جلسات متعدد با گروه آماده‌سازی و نظارت گام به گام دکتر خالقی مطلق حاصلش کتابی شد که پیش رو دارید.

در اینجا جای دارد از استاد دکتر جلال خالقی مطلق، صمیمانه تشکر کنم که دقت و صبر و شکیبایی‌شان مثال‌زدنی است و فروتنی‌شان، افزون بر فضل و دانش، چنان که شایسته هر درخت پرثمری است، ستودنی است. همچنین، از همکارانی که بیشترین زحمات این کتاب را بر عهده داشتند سپاسگزاری می‌کنم: از

سرکار خانم مهناز مقدسی، سرپرست گروه آماده سازی، که به همراهی همکاران توانمندشان، با دقت و وسواس، برای تولید این کتاب تلاش شبانه روزی کردند؛ جناب آقای هومن عباسپور که در ویرایش علمی کتاب همکاری داشتند و آقای بهرام عفراوی که زحمت طرح جلد و نهایی کردن این کتاب را با جدیت و دقت به انجام رساندند.

همچنین از تمامی دست اندرکاران دلسوز و پرتلاشی که باعث به ثمر رسیدن کتاب شدند تشکر و قدردانی می شود.

امید است انتشار این کتاب، در کنار دیگر پژوهش های انجام پذیرفته در زمینه زبان های ایرانی، راهگشای اهل تحقیق باشد.

میترا دبیری

مدیر انتشارات مهرافروز

آغاز

نخستین چاپ این فرهنگ که تنها شامل حرف‌های آ-خ بود، در سال ۱۳۵۶ خورشیدی با عنوان *اساس اشتقاق فارسی در جزو انتشارات بنیاد فرهنگ ایران* (شماره ۲۶۲) منتشر شد، ولی دنباله کار به علت برچیده شدن آن بنیاد بازایستاد. پس از آن نیز، پرداختن نگارنده به پیرایش شاهنامه، که سالیان درازی زمان برد، او را از به‌پایان رساندن کار چاپ این کتاب بازداشت. اکنون اگر این فرهنگ یکجا در دسترس خوانندگان قرار می‌گیرد، توفیق آن را وامدار چند تن از دوستداران زبان و ادب فارسی هستم. نخست باید از بانو دکتر مریم‌السادات رنجبر یاد کنم که سال‌ها بر سر بازنویسی و سامان‌دهی برگه‌های نگارنده رنج بردند، ولی چون دو ناشر از چاپ این فرهنگ، به بهانه عدم توانش چاپ و هزینه گران آن، تن زدند، کار انتشار این فرهنگ به بازپس افتاد و بانو دکتر رنجبر نیز با گشاده‌دستی آنچه را که آماده کرده بودند، در دسترس نگارنده نهادند؛ تا سرانجام بخت یاری کرد و انتشارات مهرافروز هزینه حروف‌نگاری و چاپ آن را پذیرا گردید. در اینجا وظیفه خود می‌دانم که از مدیر فرهیخته و فرهنگ‌دوست این انتشارات بانو میترا دبیری صمیمانه و از بُن دل سپاسگزاری کنم. همچنین باید یاد روانشاد دکتر پرویز دبیری، یکی از ایران‌دوستان و دلبستگان فرهنگ این سرزمین را گرامی بدارم که در زمان حیات خود همواره از انتشار این کتاب پشتیبانی نمودند.

کار بسیار دشوار حروف‌نگاری و ویراستاری این کتاب زیر سرپرستی بانو مهناز مقدسی انجام گرفت که تنها به کار تایپ و نمونه‌خوانی بسنده نکردند، بلکه با یاری همکاران خود و صرف وقت و دلسوزی بسیار، برخی از کمداشت‌های مأخذ هُرن را برطرف کردند؛ همه بازگشت‌های نگارنده به شاهنامه چاپ مسکو را به پیرایش نگارنده - که در زمان ترجمه بخش نخستین این کتاب هنوز آماده نبود - برگرداندند، برخی شواهد چاپ مسکو را که در پیرایش نگارنده به حاشیه رفته بودند، مشخص کردند و برخی شواهد را که نادرست می‌نمود، با نظارت نگارنده حذف نمودند، منابع بدون اختصار را در بخشی مجزا فهرست کردند، متن دستنویس مرا با اصل کتاب هُرن مطابقت کردند، کتابنامه‌های فارسی و لاتین را تنظیم نمودند و برخی کاستی‌های آن را برطرف کردند؛ برای واژه‌های اشتقاقی نمایه‌ای تهیه کردند و بسیار کارهای دیگر

که شرح یک‌یک آنها بس دراز است. نگارنده وظیفه خود می‌داند که در زیر از همه همکاران بانو مقدسی که در آماده کردن این کتاب سهمی داشتند، با ذکر نام آنها صمیمانه یاد کند: آقای دکتر ایمان نوروزی برای ویرایش فنی و یکدست کردن ارجاعات درون متن و برابر کردن با اصل آلمانی در نمونه نخست؛ آقای علیرضا اسماعیل‌پور برای بازخوانی چند باره متن و برابر کردن متن ترجمه با اصل آلمانی و جای نشین کردن بیت‌های شاهنامه چاپ خالقی بر چاپ مسکو و رفع مشکلات محتوایی؛ آقای اشکان تقی‌پور و بانو نازیلا خرمی و شعله قنادی خیابان برای نمونه‌خوانی‌های کتاب؛ بانو سحر صولتی برای تنظیم کتابنامه فارسی و بازخوانی اشعار و شواهد؛ بانو سیما متین برای رفع نقایص کتابنامه لاتین و تکمیل آن و بازخوانی متن؛ بانو شیوا قربانی برای حروف‌نگاری و تصحیحات چند باره متن تا پیش از صفحه‌آرایی؛ بانو رویا خوش‌نیت برای بایگانی پرونده‌ها؛ آقای رحمان سهندی برای همکاری در اصلاحات نمایه؛ آقای مهدی فیروزخانی برای صفحه‌آرایی اولیه متن و اصلاحات نهایی؛ آقای بهرام عفرای برای تهیه و تنظیم قلم مناسب، آماده کردن نمایه واژه‌های فارسی و صفحه‌آرایی نهایی کتاب؛ و هومن عباسپور برای همکاری و مشاوره در ویرایش استنادی و فنی.

ترجمه این کتاب نخستین بار به پیشنهاد پژوهنده، ادیب، شاعر گرانمایه، و خدمتگزار زبان و ادب فارسی و فرهنگ ایران، روانشاد استاد دکتر پرویز ناتل خانلری بود که تا در میان ما بود، خانه در کوی آزادگان داشت. یادش گرامی باد!

همچنین سپاسگزارم از همسر منسوره و فرزندانم اسپنو و سام که در همه این سال‌ها مهر و پشتیبانی خود را از من دریغ نداشتند.

در فاصله میان انتشار بخش نخستین این ترجمه و انتشار کامل و کنونی آن، نخستین بخش فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی، تألیف و تنظیم آقای دکتر محمد حسن دوست و زیر نظر روانشاد استاد دکتر بهمن سرکاراتی، به شیوه‌ای شایسته و با مقدمه‌ای عالمانه انتشار یافت و اکنون دوستداران زبان فارسی ناشکیبا چشم به راه انتشار دفترهای دیگر این کتاب هستند. با وجود این اثر خجسته، نگارنده امیدوار است که انتشار ترجمه فرهنگ ریشه‌شناسی فارسی تألیف هرن - هوبشمان با همه کم‌وکاست‌های کار مؤلفان و مترجم، یکسره ناسودمند نباشد.

پیشگفتار مترجم (بر چاپ نخستین)

کتاب اساس اشتقاق فارسی تألیف پاول هرن^۱، اثری است که از آغاز انتشار تاکنون، بر شانه‌ای گل آفرین و بر شانه‌ای خارِ نفرین کشیده است. هدف اصلی هرن در تألیف این کتاب این بود که حتی المقدور آنچه را که تا زمان این تألیف درباره اشتقاق فارسی به زبان‌های مختلف پراکنده بود، در یک جا آکنده نماید. هر چند هرن تمام واژه‌هایی را که اشتقاق آن‌ها تا زمان او توجیه شده بود، در کتاب خود نیاورده و یا به تمامی آن‌ها دست نیافته است ولی، با وجود این، گزینش و تنظیم قریب به ۱۴۰۰ واژه، کاری بس بزرگ بود که نظیر آن تا امروز، که بیش از ۸۰ سال از تألیف این کتاب می‌گذرد، دیگر تکرار نگردیده است. هر چند زمان تکرار آن دیری است دررسیده است.

بزرگ‌ترین نقایص کار هرن یکی این است که برخلاف شیوه اروپایی از مآخذ خود کمتر نام می‌برد و دلیلی هم که در پیشگفتار کتاب در توجیه عمل خود می‌آورد، خواننده را قانع نمی‌سازد. دیگر اینکه برای ساختن اشتقاق یک واژه حتی گاهی مشتقات و ترکیبات آن می‌تواند مفید واقع گردد، چه رسد به معانی و صور مختلف آن. ولی هرن برای هر واژه غالباً به ثبت یک معنی و یک صورت بسنده کرده است.

علاوه بر این، برای واژه‌های فارسی یا اصلاً شاهده‌ی نمی‌آورد یا اگر می‌آورد فقط به ذکر مواضع آن‌ها اکتفا می‌نماید؛ مثلاً در مورد شواهدی که می‌توانند مهم و موثق باشند، مانند شواهدی که هرن از شاهنامه و الالبیه و ویس و رامین جمع‌آوری کرده است، ولی برعکس، شواهدی را که از فرهنگ‌ها استخراج نموده و فقط از اعتباری نسبی برخوردارند، با آب و تاب تمام در حواشی کتاب نقل می‌کند. خوشبختانه مقدار شواهد دسته‌آخر، چنانکه از فهرست آن‌ها در پیشگفتار هرن برمی‌آید، جمعاً از ۵۰ شاهد تجاوز نمی‌کند و اغلب آن‌ها نیز در شاهد دو-سه واژه آمده‌اند.

علاوه بر اینها بر آوانوشت کتاب نیز ایراداتی وارد است، از جمله گزینش e به جای ā, a و āi و ōi، به جای āi و ōi در آوانوشت واژه‌های فارسی. مثلاً در شماره ۹۱۱ واژه گرم را هرن germ آورده است. در اینجا و جاهای دیگر فتحه را کسره تلفظ کرده است که درست نیست و به او ایراد هم گرفته‌اند و من در ترجمه

1. Horn, P., *Grundriss der Neupersischen Etymologie*, Strassburg, 1893 (Hildesheim, New York, 1974).

تلفظ را درست آورده‌ام.

اینها مهم‌ترین نواقص کلی کتاب است (← پیشگفتار هوبشمان). از سوی دیگر، پیدا است که نخستین کوشش برای تألیف کتابی دربارهٔ اشتقاق فارسی هرگز نمی‌توانست از لغزش‌ها و خطاهای فراوان موضوعی بر کنار بماند. این بود که پس از انتشار این کتاب چنان که انتظار می‌رفت، گروهی از اهل فن به انتقاد از آن پرداختند و از راه این انتقادات و مباحثات، بسیاری از خطاهای این کتاب شناخته شد و اشتقاق‌های جدید دیگری نیز تعیین گردید و در زمینه تحقیقات اشتقاق فارسی تحرکی به وجود آمد و این یکی از بزرگ‌ترین خدمات این کتاب بود. از میان این تألیفات، مقالات فریدریش مولر، و به‌ویژه کتاب *مطالعات فارسی هوبشمان* (← *Persische Studien*)، اهمیت بیشتری دارند. هوبشمان، که هنر کتاب حاضر را بنا به گفتهٔ خودش به تشویق او تألیف و نیز به او اهدا کرده است، در سال ۱۸۹۵ کتاب *مطالعات فارسی* را انتشار داد که بخش اول آن، شامل ۱۱۲ صفحه، فقط در رد و تأیید یا تکمیل مطالب کتاب هنر است و بخش دوم آن نیز که دربارهٔ واج‌شناسی فارسی تألیف شده است، با موضوع تعیین اشتقاق ارتباط صددرصد دارد و علاوه بر این، در هر بخش به بخش دیگر و به کتاب هنر بسیار ارجاع داده است. بدین ملاحظات کتاب *اساس اشتقاق فارسی تألیف هنر و کتاب مطالعات فارسی تألیف هوبشمان* پس از انتشار جفت وفادار و پیوسته یکدیگر گردیدند، طوری که همه جا از این دو کتاب با هم استفاده می‌گردد و از همین رو، ترجمهٔ یکی بدون دیگری کار درستی نبود.

پس از کشف اسناد مانوی تورفان و افتادن پرتویی جدید بر سرگذشت و تکامل زبان‌های ایرانی، در کار واج‌شناسی و اشتقاق فارسی نیز دمی تازه دمید؛ ولی آنچه از این تاریخ به بعد در این باره تحقیق و تألیف شده است، در صدها کتاب و مقاله پراکنده است. مرحوم هنینگ قصد داشت فرهنگ اشتقاق فارسی را تألیف کند، ولی از ستمی که باید بر زبان فارسی می‌رفت، این دوستدار بزرگ فرهنگ ایران درگذشت و تألیف فرهنگ اشتقاق فارسی همچنان آرزوی بزرگ ما باقی ماند. چندی است که محقق روسی آلمانی‌الاصل، لئونارد هرتسنبرگ^۱ بر سر یک فرهنگ اشتقاق تاجیکی کار می‌کند که بعد از انتشار می‌توان آن را فرهنگ اشتقاق دری (= فارسی + تاجیکی + افغانی) نیز نامید، چون تفاوت زبان‌های فارسی و تاجیکی و افغانی، که سه گویش اصلی زبان دری هستند، در فرهنگ اشتقاق این زبان‌ها نقشی را بازی نمی‌کند.

در ترجمهٔ کتاب حاضر مترجم کوشش کرده است تا آنجا که در توانایی خود می‌دیده، نقایص و عیوب متن اصلی را برطرف سازد. بیرون گذاشتن اشتقاق‌های نادرست و یا تکمیل و تصحیح آن‌ها نه تنها از صلاحیت مترجم خارج بود، بلکه تغییرات اساسی در متن کتاب نیز شرط امانت نبود. در عوض این کار، مترجم به رفع بعضی از نقایص آوانوشت، تهیهٔ فهرست کتاب‌شناسی، افزودن شواهد فارسی و پهلوی و به‌ویژه انضمام ترجمهٔ بخش اول کتاب هوبشمان، که با توجه به انتقادات دیگر محققان نوشته شده است، پرداخت.

با افزودن توضیحات هوبشمان به کتاب، بسیاری از اشتقاق‌های نادرست هنر تصحیح و نقایص برخی

دیگر برطرف شده است. با وجود این، باز در این کتاب اشتقاق‌های نادرست و یا ناقص کم نیست و از سوی دیگر، تمام آنچه را هوبشمان ۸۰ سال پیش نوشته است نیز نمی‌توان درست یا کامل دانست. چون، به‌ویژه بعد از کشف اسناد تورفان و تحقیقات دهه‌های اخیر دربارهٔ زبان‌ها و گویش‌های ایرانی میانه و جدید، اطلاعات ما دربارهٔ زبان‌های ایرانی بیشتر شده است. از این رو، به دانشجویان و دیگر علاقه‌مندان به شناسایی اشتقاق فارسی، که خود در این زمینه صاحب‌نظر نیستند، توصیه می‌شود که قبل از آموختن يك اشتقاق، چه از این کتاب باشد یا از محلی دیگر، نظر استادان آشنا به زبان‌های ایرانی باستان را بپرسند.

ذیلاً به اختصار نکاتی را دربارهٔ چگونگی کار این ترجمه می‌آوریم:

اشتقاق هر واژه نخست با مطالب هرن شروع می‌گردد و بعد از پایان مطالب هرن، اگر هوبشمان توضیحاتی بدان افزوده باشد، توضیحات او می‌آید. توضیحات هوبشمان با حرف هـ مشخص شده است. همچنین حرف هـ در وسط متن هرن نیز نشان اختصاری نام هوبشمان است. پس از پایان مطالب هوبشمان نخست حواشی آن واژه آمده و پس از حواشی، فصل آن واژه بسته شده است. آنچه هرن در اثنای کتاب افزوده با علامت هـ، واژه‌هایی که هوبشمان افزوده با علامت هـ، و واژه‌هایی که مترجم به نقل از هوبشمان بر کتاب افزوده است با علامت ⊕ مشخص شده است و این علائم در زیر شمارهٔ واژه که در این گونه موارد تکرار شمارهٔ واژهٔ قبلی است قرار داده شده است. خط روسی و عبری به خط لاتین برگردانده شد. ولی در پایان کتاب تمام واژه‌هایی که در کتاب به خط عبری ثبت شده‌اند، به همان خط خواهد آمد.

در آوانوشت کتاب همه جا e به ā, a, āi و ōi و همچنین برای يك دست‌شدن آوانوشت کتاب به پیروی از هوبشمان x به x تبدیل شده است. در مورد تشخیص δ از d موضوع کمی بغرنج می‌شود. چون ما زمان دقیق یا تقریبی تبدیل ذال به دال را نمی‌دانیم. حتی ضبط ذال در کتابت و یا قافیه‌نکردن ذال با دال در شعر، دلیل آن نیست که ذال واقعاً ذال تلفظ می‌شده است و قبلاً و یا در بعضی نقاط به دال تبدیل نشده بوده است. همین مشکل را در موارد بسیاری دربارهٔ تشخیص ز از ژ، ب از پ و ج از چ داریم. قاعده‌ای که خواجه نصیر طوسی در قرن هفتم هجری در کتاب معیار الأشعار دربارهٔ تشخیص ذال از دال نقل کرده است^۱، نشان می‌دهد که مدت‌ها قبل از آن ذال به دال تبدیل شده بوده است. شاید برای ساده‌کردن کار بهتر این باشد که در آثار قبل از قرن ششم هجری همه جا ذال را ذال و از قرن ششم به بعد همه جا ذال را دال بنویسیم؛ مگر در کلماتی که تلفظ ذال را تا امروز حفظ کرده‌اند. ولی از سوی دیگر، شمس قیس در کتاب المعجم (ص ۱۹۲)، می‌نویسد: «در زبان اهل غزنین و بلخ و ماوراءالنهر ذال معجمه نیست و جمله دالات مهمله در لفظ آرند، چنان که گفته‌اند:

از دور چو بینی مرا، بداری	پیش رخ رخشنده دست عمدا
چون رنگ شراب از پیاله گردد	رنگ رخت از پشت دست پیدا

در معرض دال ذال را ننشانند
دال است، وگرنه ذال معجم خوانند

۱. آنانکه به پارسی سخن می‌رانند
ماقبل اگر ساکن و جز: و-ا-ی بود

و دال و ذال به هم قافیت کرده از بهر آن که ایشان همه دالات مهمله در لفظ آرند». و نیز در بعضی نسخ خطی که ذال را قاعدتاً با نقطه نوشته‌اند، برخی کلمات را، که حتی تا امروز به ذال تلفظ می‌شوند، با دال (هم) کتابت کرده‌اند، مثلاً در هدایة المتعلمین و تفسیر قرآن پاک، گذاشتن (= گذاشتن) و پذیرفتن (= پذیرفتن) و مشتقات آن‌ها را با دال کتابت کرده‌اند، که بی‌شک تلفظ آن‌ها در محل تألیف یا کتابت این کتب با دال، ولی در جاهای دیگر با ذال بوده است. چنان که این کلمات و مشتقات آن‌ها حتی تا امروز تلفظ ذال را حفظ کرده‌اند؛ مگر در کلمه گذار به معنی «محل عبور از آب» که هنوز در اصطلاح «بی‌گذار به آب‌زدن» همچنان تلفظ دال باقی مانده است. ضمناً، وجود صورت «گذار» می‌رساند که کتابت کلمات فوق‌الذکر در کتب نام‌برده مربوط به سهو یا سهل‌انگاری کاتب نیست. این ملاحظات مرا بر آن داشت که در مورد ذال در ضبط هرن و هوبشمان تغییری ندهم و هنگام نقل شواهد چه در مورد ذال و چه در موارد دیگری که ذکر شد، ضبط مأخذ را، چه خطی چه چاپی، لااقل در مورد واژه شاهد حفظ نمایم.

ترتیب خواندن کلمات به خط لاتین در مواردی که چند واژه مستقل دنبال یکدیگر افتاده و به وسیله علامت ویرگول از یکدیگر جدا شده‌اند، و نیز در مواردی که میان دو کلمه علامت = آمده است، با جهت خط فارسی مطابقت داده شده است، یعنی واژه‌ها (نه حروف آن‌ها) را باید از راست به چپ خواند و واژه نخستین واژه سمت راست است.

ولی در موارد دیگر، مثلاً هر جا که میان دو کلمه به خط لاتین علامت + و یا نقطه (.) آمده، و نیز در مورد عبارات و جملات و منابع به خط لاتین تغییری در ترتیب کلمات داده نشده است.

همچنین ترتیب اعداد فارسی، که برای تعیین مواضع شواهد و نقل قول‌ها و ارجاعات به کار رفته است، در جهت خط فارسی است. مثلاً شاهنامه، یکم ۸۲ / ۶۱ یعنی دفتر یکم، ص ۸۲، بیت ۶۱. مطابقت دادن جهت عدد در متن با جهت خط این خُسن را دارد که در مواردی نظیر ثبت شاهنامه، یکم ۸۲ / ۶۱ و ح ۳ ب ۲ و نظایر آن با اشکال روبه‌رو نمی‌گردیم.

معنای کلمه میان « » قرار داده شده است. این علامت گاه برای مشخص کردن واژه‌ها و اصطلاحات و عنوان کتب نیز به کار رفته است. معمولاً برای مشخص کردن واژه‌های شاهد در حواشی، زیر آنها خط کشیده شده است.

شرح نشانه‌های اختصاری و نشانه‌های وضعی در فهرستی جداگانه آمده است. همچنین در فهرستی جداگانه نام مؤلفان اروپایی که در متن به خط فارسی نوشته شده، به خط اصلی ثبت گردیده است. از به کار بردن نشانه‌های اختصاری، گذشته از تعدادی از آن‌ها چون نك، رك، قس و غیره که معروف همه است، حتی المقدور و به‌ویژه در مورد نام زبان‌ها صرف‌نظر شده است. چون خط فارسی خود خطی اختصاری است و دیگر اختصار مجدّد کلمات ضرورتی ندارد.^۱ در خط لاتین چون مصوت‌ها نوشته می‌شود، کلمات معمولاً بیشتر از خط فارسی جا می‌برند. از این جهت به کار بردن علائم اختصاری در خط لاتین هم ممکن است و هم ضروری. به علاوه، در خط لاتین می‌توان کلمات را با حروف بزرگ

۱. در موارد ضروری از علامت ← استفاده شده است.

و منفصل یا کوچک و متصل نوشت. ولی در خط فارسی چون مصوت‌های کوتاه نوشته نمی‌شوند و امکانات دیگر خط لاتین را هم ندارد، بنابراین اغلب صورت اختصاری خود به صورت کلمه مستقل دیگری درمی‌آید و از این جهت، اختصار کلمات نه درست است و نه ضروری. به همین علت، که کلمات اختصاری در فارسی غالباً به صورت کلمه کامل دیگری درمی‌آیند، استفاده از نقطه نیز، که در زبان‌های اروپایی در جلوی کلمات ناتمام اختصاری می‌گذارند، نه تنها مشکلی را نمی‌گشاید، بلکه بیشتر موجب سهو و سوءتفاهم می‌گردد. از این رو، در این کتاب گذشته از چند مورد که شرح آن در فهرست نشانه‌های کوتاه‌نویسی آمده، از به‌کاربردن علائم اختصاری صرف‌نظر گردید.

در نشانه‌گذاری جمله نیز کم و بیش با کیفیتی مشابه روبه‌رو هستیم. در کارهایی چون فرهنگ‌نویسی و تصحیح متون از به‌کاربردن نشانه‌های کوتاه‌نویسی و نشانه‌گذاری جمله و نشانه‌های وضعی گزیری نیست، ولی افراط در این کار با خط و زبان فارسی سازگار نیست. در فارسی، تا آنجا که من می‌دانم، نشانه‌گذاری جمله را سجاوندی و نقطه‌گذاری می‌گویند، که به عقیده من هر دو اصطلاح نامناسب است. سجاوندی به این دلیل نامناسب است که در زبان فارسی برای خود مورد استعمال دیگری داشته است و نقطه‌گذاری که ترجمه از punctuation انگلیسی یا punctuation فرانسه است، برای خط تقریباً بی‌نقطه لاتین درست است، ولی برای خط پُرنقطه فارسی تولید سوءتفاهم می‌کند، چون نظر ما را متوجه نقطه‌گذاری در کلمه می‌نماید، در حالی که منظور ما نشانه‌گذاری در جمله است و علاوه بر این، این علائم فقط از نقطه تشکیل نشده‌اند. دیگر اینکه نقطه‌گذاری کلمات فارسی دارای تاریخچه‌ای است و ما در اینجا نیز اصطلاح نقطه‌گذاری را مانند سجاوندی برای موردی دیگر، یعنی وقتی که از نقطه‌گذاری حروف فارسی بحث می‌کنیم، احتیاج داریم. از این رو، من این علائم را به تبعیت از اصطلاح Satzzeichen در آلمانی نشانه‌های جمله و عمل آن را نشانه‌گذاری جمله می‌نامم. مترجم نشانه‌های جمله را که در متن اصلی به کار رفته در ترجمه حفظ کرده است، ولی خود در حواشی، به‌ویژه در نقل شواهد، آن را به‌ندرت به کار برده است. چون به عقیده او نشانه‌گذاری جمله در متون قدیم تنها آنجا جایز است که رعایت نکردن آن ایجاد سوءتفاهم و یا رعایت آن رفع شبهه می‌کند. بیش از این مقدار با دست‌بردن در متن برابر است.

نام زبان‌ها، اعم از ایرانی و غیرایرانی، به همان صورت که در زبان فارسی معمول شده است به کار رفته است. فقط به جای گبری، بهدینی، و به جای کاشانی، کاشی، انتخاب شده است.

اگر زمان قدیمی‌ترین دوره یک زبان از آغاز زبان فارسی یا پایان فارسی میانه یا از آغاز اسلام عقب‌تر نباشد، درباره آن اصطلاح «قدیم»، و اصطلاح «باستان» فقط در مورد زبان‌های باستانی به کار برده شده است. مثلاً فارسی قدیم، آلمانی فصیح قدیم، انگلیسی قدیم و غیره، ولی یونانی باستان، هندی باستان و غیره.

اضافات و توضیحات مترجم چه در متن و چه در حواشی همه جا با علامت م مشخص شده است.

شواهد پهلوی را در درجه اول مدیون فرهنگ مینوی خرد تألیف دکتر احمد تفضلی و فرهنگ بندهشن

تألیف دکتر مهرداد بهار هستم. برای آسانی کار پژوهندگان، همراه با نقل شواهد موضع اصلی آن‌ها نیز ثبت گردیده است. افعال پهلوی در حالت مصدری ضبط شده است. گذشته از هزوارش‌ها و چند مورد ضروری دیگر از حرف‌نوشت^۱ واژه‌های پهلوی صرف‌نظر، و به آوانوشت^۲ آن‌ها اکتفا گردیده است.

شواهد فارسی حتی‌المقدور از قرن چهارم و پنجم و ششم هجری انتخاب شده است، ولی گاهی نیز از قرن هفتم و هشتم هجری شواهدی آمده است. این بدان معنی نیست که شواهد کتاب همیشه قدیمی‌ترین شواهد موجودند. با وضعیت فرهنگ‌های موجود چنین کاری اصلاً ممکن نیست. علاوه بر این، پیش آمده است که از يك شاهد قدیمی‌تر به پاره‌ای ملاحظات و به‌ویژه وقتی مشکوک به نظر رسیده و یا به اندازه کافی گویا نبوده است، صرف‌نظر شده است. همین‌طور گاهی به شاهد متأخرتر به خاطر اعتبار بیشتر و یا دیگر برتری‌های آن اهمیت بیشتر داده شده است. در مقدار کل شواهد فارسی، درصد شواهد شعر بیش از نثر و شواهد شاهنامه بیش از آثار دیگر است. برای انتخاب شاهد واژه، برخلاف مسائل دستور زبان، نثر را بر شعر برتری نیست. برعکس به کمک قافیه در شعر می‌توان تلفظ کلمات را دقیق‌تر تعیین کرد. به همین مناسبت، از آثاری که در کتابت آن‌ها اعراب به کار رفته است، چون *الابنیه*، *هدایة المتعلمین* و غیره، و همچنین از تفسیرها به خاطر ضبط صور گویشی در این آثار، به نسبت زیادتر از آثار دیگر نقل شده است. نقل شواهد غالباً مستقیم از خود آثار و با ذکر موضع آن‌ها صورت گرفته است، ولی تعدادی از شواهد لغت‌نامه را که موضع آنها بر من معلوم نگشت فعلاً با ذکر لغت‌نامه در کتاب پذیرفته‌ام تا بعد سرنوشت آن‌ها معلوم گردد.

در ذیل هر واژه کوشش شده است که حتی‌المقدور تمام صور و معانی آن با ذکر شاهد و گاه برخی از ترکیبات مهم آن آورده شود. مترجم کتمان نمی‌کند که گاه برخی از مطالب حواشی او برای اشتقاق ضرورت ندارد. حقیقت این است که مترجم در طی کار اگر دربارهٔ واژه‌ای به مطلبی برخورد کرده که به عقیده او مهم یا جالب آمده است از نقل آن خودداری نکرده است. از این راه، به تنوع مطالب کتاب افزوده شده است. از سوی دیگر، مترجم آگاه است که حواشی او شامل تمام صور و معانی واژه‌ها نیست؛ همچنین همیشه موفق به ارائه شاهی موثق نشده است. آشنایان دریای زبان و ادب فارسی می‌دانند که با وضعیت فرهنگ‌های موجود تکمیل چنین کاری در گام‌های نخستین امکان‌پذیر نیست، بلکه باید با تأمل و به مرور، همچنین با کمک و همکاری دیگران، تکمیل گردد.

مترجم امیدوار است که اهل فن از عیوب و نقایص این کتاب چشم‌نپوشند، بلکه مترجم و دیگران را از نظریات اصلاحی خود آگاه سازند تا از این راه مقداری از نقایص کتاب، به‌ویژه کمبود صور واژه‌ها در ایرانی میانه و کم و کسری‌های شواهد و صور و معانی واژه‌های فارسی، برطرف گردد. مترجم در مجلدات بعدی از تمام نظریات اصلاحی و تکمیلی استفاده خواهد کرد و قبلاً از این بابت سپاسگزاری می‌کند.

در اینجا وظیفه خود می‌دانم که از استاد گرامی جناب آقای دکتر پرویز ناتل خانلری صمیمانه تشکر کنم.

ترجمه این کتاب به پیشنهاد ایشان بود و در طی کار همیشه از تشویق و پشتیبانی ایشان برخوردار بودم. همچنین از مساعدت‌ها و یاری‌های همکاران و دوستان ارجمند آقایان پروفیسور ر. امیرک، دکتر احمد تفضلی، دکتر گ. گزپ و دکتر د. اوتس امتنان فراوان دارم. بدون کمک‌های همسر عزیزم کار این ترجمه بیش از این‌ها به تعویق می‌افتاد.

جلال خالقی مطلق

هامبورگ، ژانویه ۱۹۷۷